



موسیقی، تکنولوژی

## جوانان و ریتم

◆ آنچه امروز موسیقی کلاسیک می‌نامیم گستره پهنای را دربر می‌گیرد که از یک سوی با آثار گوستاو هولست و از سوی دیگر با آثار اشتوک هازن هم‌مرز است.

رنج و درد ملت ما در یورش مغولان است" چندان کمکی در تغییر سلیقه‌ی موسیقی آنان نمی‌کند. آنان به حق می‌گویند که "درد امروزمان را کجا ببریم".

در سال‌های اخیر کوشش‌هایی برای گنجاندن تم عامیانه و محلی ایرانی در قالب و ساختار ظاهراً "علمی موسیقی صورت گرفته است. زاون هاگوپیان، موسیقی‌دان ایرانی به‌نقل از موسیقی‌دانان فرانسوی درباره‌ی موسیقی مدرن ایرانی، می‌گوید: "این گروه از آهنگ‌های ایرانی حکم دهفانی را دارند که خود را با لباس شهریان نونوار ساخته و در آن نامانوس و بیگانه می‌نمایند و با این‌که شهرنشینی متجدد که از راه تفنن جامه روستائی به‌تن کرده باشد".

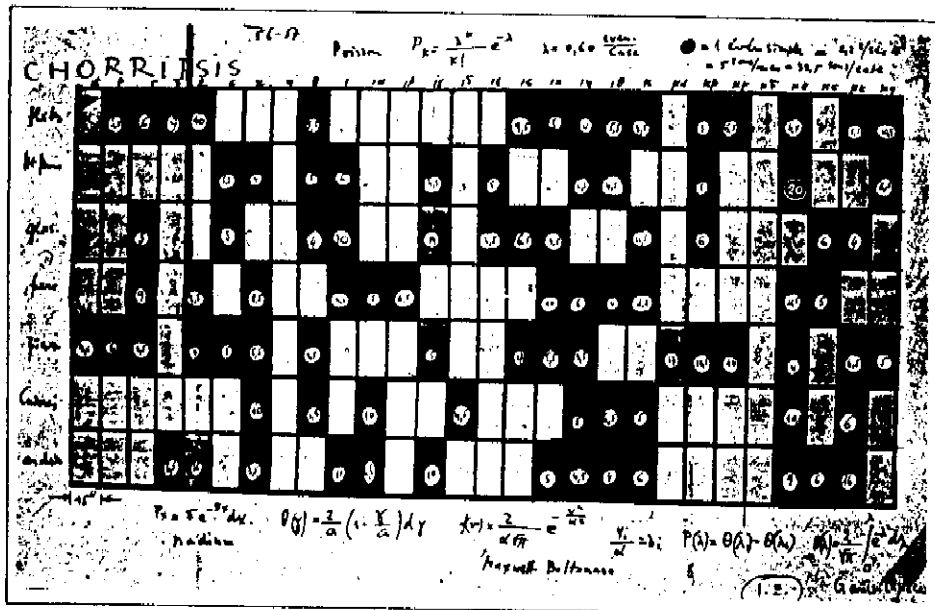
### تکنولوژی و موسیقی

روح علم، هنر و تکنولوژی هر عصر توام با برآیند ذوق پیورده‌ی انسان آن عصر در ابزارهای موسیقی‌اش حلول می‌کند. در قرن بیستم نه فقط سازها، تکنیک نواختن و نوا (ملودی) دستخوش دگرگونی شگرفی شده‌اند، بلکه اصواتی غیرطبیعی که زائیده‌ی زندگی نوین و صنعت مدرن هستند به‌فلمرو موسیقی راه یافته‌اند.

در نیمه اول قرن حاضر همپای تحولات تکنولوژیک سه گرایش عمده در موسیقی

تندآب زندگی ستایان پیش می‌رود. آدمی، در کودکی از آن می‌هراسد، در جوانی اسیرش می‌شود و در بیری از آن دوری می‌کند. جوانان شیفته تحرک و موسیقی ریتمیک زندگی هستند. و هرچه ضرب آهنگ موسیقی تندتر باشد "شور نسل جوان" جوشان‌تر می‌شود. گرایش به "ریتم" ویژه‌ی جوانان نیست. کودکان همه نژادهای بشری در برابر ریتم‌های موسیقی ملل مختلف واکنش نشان می‌دهند. به‌قول زیگموند اسپات، هرگاه انسان وحشی قصد تصنیف می‌کند نخستین تجربه او کوششی است در آفرینش "ریتم". ریتم همیشه محرکی فیزیکی است و حرکت پاها عملاً "واکنشی است در پاسخ به آن، بنابراین جای تعجب نیست که جوانان جوامع صنعتی دلباخته ریتم هندی و آفریقایی می‌شوند. و یا زناکبیس، موسیقی دان، معمار و ریاضی‌دان برجسته معاصر در موسیقی مدرن خود دلبستگی بیشتری به این ریتم‌های به‌قول خودش "پیچیده" نشان می‌دهد.

در این میان، جوانان میهن ما بین دو قطب سرگردانند: موسیقی بازاری غربی و آنچه که می‌توان موسیقی "بشکن و بالابنداز ایرانی" نامیدش. آشکار است که نوا، اصفهان و مخالف سه‌گانه تنها برایشان روح‌نواز نیست که گوش خراش نیز هست. توجهات پیران و اساتید موسیقی که مثلاً "نوا، گویای



به چشم می خورد: نخست ادامه رشد سبک های موسیقی ملی و عامیانه، دوم ظهور جنبش های متعدد نئوکلاسیسم در فاصله دو جنگ جهانی، سوم تبدیل موسیقی رمانتیک متأخر ( Post-Romantic ) آلمان به موسیقی دوازده صدایی ( Dodecaphonic ) که شوئنبرگ با نوشتن موسیقی برای منظومه های از ریشارد دمل به نام "شب دگرگون" آن را آغاز کرد. و بعدها آلین برگ با اپرای سه پرده ای "وتسک" آن را ادامه داد.

جنگ دوم جهانی و پی آمدهای آن طومار جهان کهن را درهم پیچید و نظم نوین، تقسیم کاری جدید، میلناریسمی سبانه تر و موسیقی ای ژرف کاوتر بهارمان آورد. آنچه قبل از جنگ دوم جوانه های بیش نبود به درخت تناوری بدل شد. بلافاصله بعد از پایان جنگ، موسیقی دانان نوجو بهربری "وبرن" در شهر ( Darmstadt ) "درس های تعطیلات برای موسیقی نوین" را آغاز کردند و موسیقی سریال را بنیانی علمی دادند. از آن زمان تاکنون انواع سازهای الکترونیک کامپیوتری و سینتی سایزر به انقلاب موسیقی عمق بخشیدند. امروزه تکنولوژی این امکان را فراهم می کند که موسیقی دان آهنگ بنویسد، بلافاصله آنرا بشنود و در صورت پسند آن را ضبط کند. یعنی کار ارکستر بزرگ و استودیو ضبط را یکجا انجام دهد. در دهه اخیر انواع بیوموزیک ( Biomusic ) با موسیقی حیاتی به بازار آمده اند. این گونه سازها توسط گیرنده های حسی الکترونیکی به "موسیقی بدن انسان" لحنی دلپذیر می دهند. اخیراً "پروفیسور" ماکس ماتوز" سازی اختراع کرده است که به نظر او به هر آدمی استعداد باخ و موتزارت شدن را می بخشد. ساز اختراعی او از یک جعبه میکانیکی ( Gizmo ) تشکیل شده که نوازنده با استفاده از دو باطون بر روی آن ضربه می زند. سطح این جعبه تقریباً "برابر جعبه پیتزا" است. نوازنده با تغییر سرعت ضربان باطون می تواند به دلخواه آهنگ مورد علاقه اش را بنوازد و با تغییر زیربوم، کشش و میزان بندی ارکستر بزرگی را رهبری کند. زناکیس هم دستگاه آهنگ سازی ای به نام UPIC اختراع کرده است. این دستگاه امکان ساختن موسیقی از راه نقاشی و حتی بودن هرگونه آگاهی از موسیقی یا انفرماتیک را به کمک یک تیغه یا قلم حکاکی بر روی جدول الکترومغناطیسی می دهد. اختراع این دستگاه که زناکیس آنرا با اختراع خط مقایسه می کند، به جوانان امکان می دهد تا با آفرینش موسیقی آشنا شوند و آنرا در عمل تجربه کنند.

## ◆ امروزه با استفاده از امکانات تکنولوژی، آهنگساز می تواند آهنگ بنویسد، بلافاصله آن را بشنود و در صورت پسند ضبط کند.

بخواهیم آهنگ خاصی را به یاد بیاوریم تنها کافی است ملودی آنرا زمره کنیم. چنانکه لالائی دوران کودکی را حتا در کهنسالی به یاد می آوریم. اما این پرسش بی مسابست نیست که "موسیقی همپسند مدرن تا به حال ملودی به یادماندنی ای آفریده است یا خیر؟ و آیا با خرید یک سینتی سایزر آخرین مدل می توان بتهوون و یا زناکیس شد؟"

آنچه امروز آثار کلاسیک موسیقی نام می گیرد تنها به شاهکارهای دوران رومانیتسم موسیقی محدود نمی شود. بلکه گستره پهنای را دربر می گیرد که یک کرانه اش تا "سوئیت سیارات" گوستاو هولست گسترش دارد و از سوی دیگر با آثار اشتوک هازن هم مرز است و در مرکز خود قطعات پیانو Microcosmos بارتوک، آهنگساز محار را دارد که در حکم قاموس و فرهنگ جامع موسیقی مدرن است. با این همه جوانان در صورتی قادرند که سره را از ناسره تمییز دهند که گوش جان به آثار برجسته بسپارند و ذوق خود را بیورانند. آنگاه در خواهند یافت که بسیاری از آثار محبوبشان گرنه برداری از آثار پیشینیان است و مدرنیسم آنها نیز در اغلب موارد شبه مدرنیسمند.

یزوهش از: ر. م.

منابع این مقاله:

1-The Mystry of Melody, Antony Burgess.

۲- تفسیر موسیقی کلاسیک. سعدی حسینی

3-A history of western music. Donald Jaygrount

۴- چگونه از موسیقی لذت ببریم، متن فارسی

۵- مجلات نیوزویک و تایمز سال ۱۹۹۰

۶- ۱ و ۲ - دوره هفتم، سخن، زاوون

هاکوپیان "موسیقی ایرانی در تماس با

موسیقی علمی".

موسیقی کامپیوتری و نگرانی آهنگسازان پتربک لئونارد ترانه سرا و آهنگساز دو خواننده محبوب جوانان که از کامپیوتر و Disklavier استفاده می کند شدیداً نگران است که تکامل تکنولوژی عاطفه موسیقی را از جوانان بگیرد و حتی استعداد نوازندگان و اجراکنندگان بهرزه رود. البته این نگرانی باعث نمی شود که او از آهنگ سازی دست بکشد زیرا انبوه جوانان به مسئله طور دیگری نگاه می کنند.

موسیقی مدرن و راز ملودی

ریتم، جانمایه ای هر قطعه موسیقی است و آنگاه کمال می یابد که گوشت (ملودی) و خون (هارمونی) بر آن افزوده شود. برای آفرینش ملودی دست کم دو صوت لازم است. آوای "کوکو" فاخته و آوای "بدیده" بلدرچین از نمونه های طبیعی و بسیار ساده ی ملودی هستند. ملودی عامل یادآوری است اگر